

متن پرسش

با عرض سلام و ارادت قلبی این که اعراض وجودهای مستقلى ندارند و تماماً وابسته به جوهرند و اینکه موجود خارجی یک جوهر دارد و یک عرض، صرف یک انتزاع عقل از موجود خارج است. حال سوال حقیر این است که اگر از برای موجود، این انتزاع را انجام ندهیم، بلکه بگوئیم هرچه در خارج هست (فقط) همان عرضیات است (کم کیف این متی وضع) چه اشکالی پیش می‌آید؟ مثلاً اگر سبب را میبینیم انتزاع جوهر و عرض نکنیم، بلکه بگوئیم سبب یعنی همین جسم خاص با همین اعراض خاص (هرچند با این ادعا مفهوم کلی دیگر ممنوع میشود و تبعات دیگر..). اما اگر این ادعا را قبول کنیم (یعنی عدم انتزاع جوهر از موجود خارجی) برهان اول در حرکت جوهری بی معنا خواهد شد. تشکر میکنم اگر تفصیلاً پاسخ بفرمائید

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: همین که می‌گویید «بگوئیم سبب همین جسم خاص است با همین اعراض خاص» عملاً برای اعراض یک جوهر قائل شده‌اید و متوجه‌اید اعراض نمی‌توانند مستقل باشند. از طرفی مگر به اراده‌ی ما است که انتزاع نکنیم، این اقتضاء تفکر است. می‌توانید با دیدن حسن و رضا و بتول و فاطمه، مفهوم انسان را انتزاع نکنید و ما به الإشتراک آنها را نیابید؟ در آن صورت فکر نکرده‌اید. موفق باشید